

نوع مقاله: ترویجی

تحلیلی بر نقش دین در مهار هرزگی با تأکید بر ادیان ابراهیمی

محمد رضا اسدی / استادیار گروه ادیان و عرفان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

Reza.shaer@gmail.com  orcid.org/0000-0001-8594-1472

پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۱

دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۵

چکیده

هرزگی به معنای بی‌قیدی، لاپالی‌گری و بی‌بندوباری، از فراگیرترین مشکلاتی است که جوامع انسانی همواره با آن روبه‌رو بوده است. در حالی که قوانین قراردادی، اخلاق و الزامات عرفی و فرهنگی نقش‌هایی مؤثر در پیشگیری و مبارزه با هرزگی دارند، به اعتقاد دین‌داران، دین نیز در این عرصه نقشی مهم و چشمگیر ایفا می‌کند. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی، در پی یافتن پاسخ به این پرسش است که به‌واقع دین چه سهمی در این عرصه دارد؟ در این مقاله تلاش می‌شود با هدف شناسایی ظرفیت‌های دین در مهار هرزگی با تأکید بر ادیان ابراهیمی، به تبیین مفهوم هرزگی و شیوه‌های مهار آن پرداخته شود. با بررسی انجام‌شده در این پژوهش نتیجه گرفته خواهد شد که دین از طریق ایجاد سرسپردگی ایمانی به‌عنوان عامل بازدارندهٔ درونی، دستورات شرعی و اخلاقی، بیان آثار و پیامدهای دنیوی اعمال و بیان رقم‌خوردن سرنوشت انسان در فرجام عالم براساس سنجش نهایی اعمال، سهم و ظرفیتی قابل توجه در مهار هرزگی داشته و تأثیرگذاری دین در این عرصه، از ضمانت و ژرفای بیشتری نسبت به عوامل دیگر برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: هرزگی، بی‌بندوباری، پاداش، عقاب، مجازات، سرسپردگی، ادیان ابراهیمی.

مقدمه

۱. هرزگی و شیوه‌های مهار آن

«هرزگی» در لغت به معنای کار بد، کار قبیح، تباه کاری (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۴، ص ۲۰۷۲۹)، یاوه‌گویی، ول‌گردی، هرزه بودن، کار زشت کردن (عمید، ۱۳۸۰، ص ۱۲۰۱)، بی‌قیدی (معین، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۵۱۲۱)، الواطی، بیهودگی، عیاشی، فسق و فجور، لابلایی‌گری، لعب، لودگی و لهو آمده است (خدایپرستی، ۱۳۷۶، ص ۴۷۷). این واژه کاربرد معادل اصطلاح «بی‌بندوباری» دارد (همان) و از آنجا که «بندوبار» به حدود و قواعد و آداب زندگی، قیده‌های اجتماعی و مانند آن گفته می‌شود، انسان هرزه و بی‌بندوبار کسی است که در زندگی به این حدود و رسوم پایبند نباشد (دهخدا، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۴۳۶۲). هرچند براساس این گزارش، هرزگی گستره مفهومی وسیعی دارد و بی‌توجهی به قیود و قوانین حقوقی، راهنمایی و رانندگی، دروغ‌گویی، دزدی، غیبت، فحشا، روابط جنسی و هرگونه کار بد را دربر می‌گیرد، اما تأکید هرزگی و بی‌بندوباری در این مقاله بر بی‌قیدی در مسائل جنسی است که هم در بُعد فردی قابل تصور است و هم در روابط و ابعاد اجتماعی. اساساً امروزه در بسیاری از گفت‌وگوها نیز غالباً همین معنا از «هرزگی» و «بی‌بندوباری» برداشت می‌شود. برهنگی، زنا، استمنا، لواط و فسق و فجور از مظاهر بارز هرزگی و بی‌بندوباری هستند. بر این اساس معنای هرزگی در پژوهش پیش رو «عدم التزام فکری و عملی به قیود لازم در مسائل جنسی» خواهد بود. این قیود ممکن است از جانب دین، نظام‌های اجتماعی و سیاسی، نظام اخلاقی یا عرف و فرهنگ بنا گذاشته شده باشد؛ که هرزگی متناسب با هریک از آنها فهم شده و به این معنا خواهد بود که این قیده‌ها در فضایی که باید مورد توجه قرار می‌گرفتند، نادیده گرفته شوند. اگرچه ممکن است این قیود در نگاهی فراگیر و دقیق در فرهنگ‌ها، خرده‌فرهنگ‌ها و آیین‌های مختلف قدری متفاوت باشند، اما به‌منظور امکان‌پذیر شدن ارزیابی سهم دین در این عرصه، در مقاله پیش رو، قیده‌هایی در نظر هستند که مورد وفاق فطرت، اخلاق عام و ادیان الهی بوده و عموم مردم، در حوزه رفتارهای جنسی، صرف نظر از فرهنگ‌های تحمیلی و القائات جدید رعایت آنها را لازم می‌دانند.

از آنجا که هرزگی‌ها و بی‌بندوباری‌های جنسی از جدی‌ترین تهدیدها برای نظم و آرامش جامعه است؛ از هر راه ممکن همچون راه‌های پیش‌گیرانه از وقوع کجروی (العوجی، ۱۹۸۷م، ج ۲، ص ۱۴۴) و راه‌های درمانی، اصلاحی و تنبیهی با استفاده از تأثیرگذاری

هرزگی و بی‌بندوباری معضلی است که در جوامع مختلف از شیوه‌های گوناگون برای حل آن استفاده شده است، اما دین‌داران نقش دین را در این عرصه بسیار مهم می‌دانند. اکنون با توجه به ریشه حقیقی و واحد ادیان ابراهیمی و قلمرو اجتماعی گسترده و اهمیت آنها در دنیای امروز، ضروری است بررسی شود که چگونه این ادیان می‌توانند در مهار هرزگی و بی‌بندوباری مؤثر باشند؟ اگرچه نوشته‌های مستقلی در ارتباط با تأثیر دین در رفتارهای اخلاقی و اجتماعی انسان وجود دارد، اما با بررسی انجام‌شده، اثری متمرکز بر نقش دین در مهار هرزگی با تأکید بر ادیان ابراهیمی یافت نشده است. در این رابطه مقالات ذیل قابل ملاحظه است:

۱. مریم‌السادات رنجبر و بتول علامت‌ساز، «نقش و تأثیر دین در زندگی اجتماعی انسان، دومین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی با رویکرد بومی - اسلامی و با تأکید بر پژوهش‌های نوین»، ۱۳۹۵؛

۲. ناصرالدین اوجاقی، «دین و تأثیر آن بر رفتار اخلاقی»، مجله معرفت، ۱۳۸۶، ش ۱۱۳.

اما مقاله نخست مواردی همچون برادری و احساس اشتراک، همبستگی اجتماعی، سعادت، اصلاح فرد و اجتماع، ساده‌زیستی و آرامش، احساس شرافت و بزرگی و... را مورد بررسی قرار داده و به‌طور خاص نقش دین در مهار هرزگی را بررسی نمی‌کند. مقاله دوم نیز بر موضوع هرزگی تمرکز ندارد و با نگاهی کلی، تأثیر دین بر رفتار اخلاقی را مورد بررسی قرار می‌دهد. همچنین هیچ‌یک از دو مقاله یادشده و البته دیگر مقالات نزدیک به موضوع، پژوهشی با تأکید بر ادیان ابراهیمی انجام نداده است. مقاله پیش رو که با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده، ظرفیت دین در مهار هرزگی را با تأکید بر ادیان ابراهیمی بررسی می‌کند و جنبه‌های نوآوری‌اش تمرکز بر مسئله نقش دین در خصوص مهار هرزگی و با تأکید بر ادیان ابراهیمی است. پرسش اصلی در اینجا آن است که دین چه نقشی در مهار هرزگی ایفا می‌کند؟ و پرسش فرعی نیز آن است که هریک از ادیان ابراهیمی چه ظرفیت‌هایی برای مهار هرزگی دارند؟ پس از تبیین مفهوم هرزگی و معرفی شیوه‌های مهار آن و معرفی اجمالی ادیان ابراهیمی، با تأکید بر ظرفیت‌های ادیان، نقش دین در کنترل هرزگی مورد واکاوی قرار گرفته است. از آنجا که ممکن است در بعضی از مسائل مطرح‌شده، اختلاف‌های درون دینی وجود داشته باشد، بحث‌ها ناظر به تعالیم یهودیت ارتدوکس، مسیحیت کاتولیک و اسلام شیعی خواهد بود.

ادامهٔ یهودیت است و به همین دلیل، مسیحیان نیز می‌بایست به شریعت حضرت موسی ﷺ عمل می‌کردند (صف: ۶؛ متی: ۱۸: ۵)، اما مسیحیت کنونی با تأکید ویژه بر مسئلهٔ ایمان و تأثیر انحصاری آن بر پاک شدن گناه ذاتی انسان، در نهایت، سر از شریعت‌گریزی درآورده و ایمان را ناسخ شریعت و عامل انحصاری نجات معرفی کرده است (غلاطیان ۳: ۲۵-۲۳؛ وارکر و دیگران، ۲۰۱۲، ص ۱۷). اخلاق و محبت از کلیدی‌ترین واژه‌ها در مسیحیت هستند.

۳. ظرفیت‌های ادیان ابراهیمی در مهار هرزگی

اکنون باید دید که دین و به‌طور مشخص ادیان یادشده چه ظرفیت‌هایی برای مهار هرزگی دارند و نسبت به راه‌های دیگر کنترل اجتماعی همچون قوانین قراردادی، اخلاق، الزامات عرفی و سنت‌های فرهنگی، تا چه اندازه در این عرصه تأثیرگذار خواهند بود. هرچند با توجه به گسترهٔ قابل توجه ادیان، به نظر می‌رسد ظرفیت‌های فراوانی در آنها وجود دارد، اما مهم‌ترین ظرفیت‌های ادیان در این عرصه عبارت‌اند از: ایجاد سرسپردگی ایمانی به‌عنوان عامل بازدارندهٔ درونی، دستورات شرعی و اخلاقی، بیان آثار و پیامدهای دنیوی اعمال و بیان رقم خوردن سرنوشت انسان در فرجام عالم براساس سنجش نهایی اعمال.

۳-۱. ایجاد سرسپردگی ایمانی به‌عنوان عامل بازدارندهٔ درونی «سرسپردگی» در لغت به‌معنای ارادت، انقیاد، اطاعت، فرمان‌برداری، تسلیم و متابعت در مقابل سرپیچی (خداپرستی، ۱۳۷۶) و «سرسپردگی» به‌معنای مطیع، منقاد، تسلیم‌شده و فرمان‌بردار (معین، عمید) آمده است. بنابراین سرسپردگی به معبود، حالتی روحی و قلبی است که وقتی در فرد پدیدار شود، نوعی ارادت و انقیاد در او به‌وجود می‌آورد که به‌عنوان محرکی درونی و قوی فرد را وامی‌دارد که از روی میل و نه الزام یا تکلیف، در پی انجام خواسته‌های خدای خویش باشد. این حالت روحی و باطنی فرد در برابر معبود، تمایل به بی‌بندوباری را از ریشه می‌خشکاند و برخلاف عوامل دیگر که اغلب، تمایل فرد به این امور را از بین نمی‌برد و تنها جلوی عمل ظاهری را می‌گیرد، شخص را به‌سوی جلب رضایت خداوند سوق می‌دهد. اکنون باید این ظرفیت در هریک از ادیان ابراهیمی بررسی شود.

و سازندگی مجازات (بودون و بوریگاد، ۱۳۷۷) و کيفر (سليمی و داوری، ۱۳۸۰، ص ۶۷۶) برای مهار آن اقدام می‌شود. قوانین قراردادی، اخلاق، الزامات عرفی و سنت‌های فرهنگی یا دینی در جوامع، ممکن است از این راه‌ها پیگیری شود و هدف از همهٔ آنها این است که فکر و اندیشه لگام‌زده شود؛ چشم و گوش کنترل شود؛ ارتباط و سخن مهار شود؛ تن به احکام سازنده، مانند ازدواج داده شود و خلاصه بی‌بندوباری‌ها و هرزگی‌ها تحت کنترل درآید.

۲. ادیان ابراهیمی

«ادیان ابراهیمی» اصطلاح بر ساخته پژوهشگران است که به سه دین توحیدی یهودیت، مسیحیت و اسلام اشاره دارد که پیروان آنها حضرت ابراهیم ﷺ را پیامبر بزرگ خدا و نیای مشترک خود می‌دانند. این سه دین صاحب کتاب آسمانی بوده و عقاید و تعالیم مشترکی دربارهٔ خدا، خلقت، فرجام عالم و تکالیف انسان دارند. دین اسلام برای مخاطبان مقالهٔ پیش رو آشنا و بی‌نیاز از معرفی و توضیح است، اما از باب معرفی مختصر، یهودیان کسانی هستند که به خدای یکتا، حضرت موسی ﷺ به‌عنوان بزرگ‌ترین پیامبر خدا و نیز پیامبران پیش از او ایمان دارند. امروزه مجموعهٔ «تنخ» که شامل سه بخش «تورات» (اسفار پنج‌گانه)، «هییم» (پیامبران) و «کتوبیم» (نوشته‌های مقدس) است، به‌عنوان کتاب مقدس یهودیان شناخته می‌شود که مسیحیان به آن «عهد قدیم» می‌گویند. یهودیت شریعت‌محور بوده و تعلیم می‌دهد که راه نجات انسان، عمل به شریعت و دستورات خداست. «تلمود» منبع اصلی فقه و شریعت یهود و معتبرترین کتاب دینی یهودیان پس از کتاب مقدس است که مجموعهٔ نگارش‌یافتهٔ سنت شفاهی یهودیان (تورات شفاهی) بوده و دربردارندهٔ تعالیم کاملی از اصول، فروع، احکام، سنن و فتاوی علمای یهود است.

مسیحیان نیز در کلام قرآن به کسانی گفته می‌شود که به خدای یکتا و نبوت عیسی بن مریم ﷺ و پیامبران پیش از او ایمان دارند. البته بحث‌هایی دربارهٔ «الوهیت عیسی» و «تثلیث»، عقیده و مسیر صحیح این دین را تغییر داده است (نساء: ۱۷۱؛ مائده: ۱۷۳؛ توبه: ۳۲). بنابر اعتقاد به تثلیث که باور مسیحیان کنونی است، در الوهیت سه شخص وجود دارد: پدر (خدای خالق)، پسر (عیسی) و روح‌القدس (مک‌گراث، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۶۱). امروزه مسیحیان انجیل‌های چهارگانه (متی، مرقس، لوقا و یوحنا) و کتاب‌های دیگر «عهد قدیم» و «عهد جدید» را به‌عنوان «کتاب مقدس» قبول دارند. مسیحیت درحقیقت

الف) یهودیت

جایگزین «شریعت اعمال» شده است. هرچند در این گفتمان، عمل انسان دخالتی در نجات او ندارد، اما تلاش پولس بر این است که از راه ایمان، محبت و سرسپردگی به خداوند، مسیحیان را از هرزگی‌ها و گناهان بازدارد. در این گفتمان با تأکید بر «محبت» به خدا و ایجاد و تقویت آن در دل مؤمنان، گناه به‌عنوان بی‌حرمتی به خدا و مانع محبت معرفی می‌شود (تعالیم کلیسای کاتولیک، ص ۵۰۸، بند ۱۸۵۰). پولس محبت را چکیده شریعت جدید خود معرفی و تلاش می‌کند با یادآوری ده فرمان و گناهان گوناگون، نشان دهد که در صورت وجود محبت، همه فرمان‌ها اجرا می‌شود و هیچ گناهی باقی نمی‌ماند. منظور پولس از محبت، محبت به خداست که از آن محبت به هم‌نوعان نشأت می‌گیرد و مستلزم دوری فرد از بی‌بندوباری و هرزگی در جامعه‌ای است که هم‌نوعان او در آن زندگی می‌کنند:

مدیون احدی به چیزی می‌شوید جز به محبت کردن با یکدیگر؛ زیرا کسی که دیگری را محبت کند، شریعت را به‌جا آورده باشد؛ زیرا که «زنا مکن، قتل مکن، دزدی مکن، شهادت دروغ مده، طمع مورز» و هر حکمی دیگر که هست، همه شامل است در این کلام که «همسایه خود را چون خود محبت نما». محبت به همسایه خود بدی نمی‌کند؛ پس محبت تکمیل شریعت است (رومیان ۱۳: ۸-۱۰).

محرك اصلی در این توصیه‌ها نه نظام الزام و پاداش و مجازات، بلکه تقویت احساسی درونی است که می‌توان از آن به سرسپردگی و احساس وابستگی به خدا تعبیر کرد. پولس با گناه دانستن اعمال زشت و بی‌بندوباری در جامعه، در یکی از نامه‌های خود ضمن تأکید بر اینکه عمل در نجات دخلی ندارد؛ با برانگیختن احساسی درونی یادآوری می‌کند که مسیحی واقعی نباید به خود اجازه گناه و بی‌حرمتی به خدا بدهد (رومیان ۶: ۱۵-۱۸). او تلاش می‌کند به مسیحیان بفهماند که اگرچه همه چیز برای مسیحیان جایز است، اما اگر خدایی که به او ایمان آورده‌اند و دل خویش را به او سپرده‌اند، در نظر بگیرند، نباید تن به گناه بدهند:

همه چیز برای من جایز است، لکن هرچیز مفید نیست. همه چیز برای من رواست، لکن نمی‌گذارم که چیزی بر من تسلط یابد. خوراک برای شکم است و شکم برای خوراک؛ لکن خدا این و آن را فانی خواهد ساخت. اما جسم برای زنا نیست، بلکه برای سرور است و سرور برای جسم. و خدا سرور را برخیزانید و ما را نیز به قوت خود خواهد برخیزانید (اول قرنتیان ۶: ۱۲-۱۴).

یهودیان دو اصل بنیادین در خصوص شیوه رفتار خداوند به انسان قائل‌اند که عبارت‌اند از: عدالت و رحمت. براساس تفسیر علمای یهود، دو نام پرکاربرد خداوند در یهودیت، یعنی یهوه و الوهیم به این صفات اشاره دارند؛ «الوهیم» (خدا) اشاره به صفت عدل و «یهوه» که معمولاً به «رب» و پروردگار ترجمه می‌شود، اشاره به صفت رحمت (اپستاین، ۱۳۹۳، ص ۱۶۱). در این تفسیر یهودی، دو صفت یادشده، جدایی‌ناپذیر، مکمل یکدیگر و ناظر به ذات خدا هستند و اما از آنجاکه عدالت بیانگر دآوری قطعی الهی بوده و صفت رحمت شامل لطف، عشق و محبت می‌شود، بستری فراهم می‌شود تا در انسان نوعی حالت تسلیم و سرسپردگی ایجاد شود؛ به‌گونه‌ای که انسان ناخودآگاه در پی جلب رضایت او باشد. آگاهی از صفات دیگر خدا همچون «قادر مطلق» و «حاضر درونی»، همچون «هگوروا» به معنای مقتدر و قادر مطلق و بدین معنا که همه رویدادها فعل بی‌واسطه خداست و «شخینا» به معنای درون‌ذات و حاضر در همه‌جا که در آن حضور فراگیر الهی تبلور می‌یابد (پیشین، ص ۱۶۳)، کار را کامل می‌کند.

کاربرد وسیع نام «پدر» برای خدا در عهد عتیق (خروج ۴: ۲۱؛ ارمیا ۳۱: ۹؛ تثنیه ۴: ۲۱ و ۱۴: ۱؛ مزامیر ۱۰۳: ۱۳؛ اشعیا ۶۳: ۱۶) که بعدها در مسیحیت و عهد جدید نیز رواج و توسعه بیشتر یافت، بر سطح و نوع تعلق و سرسپردگی یهودیان به خدا دلالتی واضح دارد؛ چراکه این کاربرد در یهودیت نه به‌معنای حقیقی، بلکه استعاره‌ای برای اشاره به جنبه محافظ بودن، رازقیت و محبت خداوند نسبت به بندگان و وابستگی و تعلق آنان به اوست (گوشن، ۲۰۰۱م). یهودیان همواره خداوند را «ای پدر ما که در آسمان هستی» خطاب می‌کنند (کهن، ۱۳۵۰، ص ۴۵). فرد یهودی با دریافتن این صفات خدا در خویش عشقی توأم با خشیت می‌یابد که صرف نظر از هرچیز دیگر، با سطحی قابل توجه از سرسپردگی، تلاش می‌کند گوش به فرمان خدای مهربان و مقتدر خویش باشد. حساسیت و دقت فراوان در یافتن دستورها و فرمان‌های دینی گاه نمایانگر سرسپردگی یهودیان به خدایی است که به او ایمان آورده‌اند و روح و ذهن بی‌قرار خود را به او سپرده‌اند.

ب) مسیحیت

در مسیحیت کنونی باور بر این است که «اعتقادات» برای نجات کافی بوده، در رسیدن به نجات، نیازی به عمل نیست (پیترز، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۴۵۸). این قانون درواقع همان «شریعت ایمان» پولس است که

ایمان آوردن ایمان آوردگان، افزایش سطح ایمان برای التزام بیشتر به قیود مربوط به آن خواهد بود. هرچه سطح ایمان بالاتر باشد و ایمان آگاهانه‌تری حاصل شود، درک لزوم رعایت قیود و توجه عملی به آنها نیز افزایش می‌یابد و برعکس، کم‌رنگ شدن و تضعیف پایه‌های ایمان، فساد و بی‌بندوباری را در جامعه افزایش می‌دهد. در بعضی از تفاسیر در ذیل آیه «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» آمده است: بازدارندگی نماز از فحشا بدین سبب است که فرد در حال اشتغال به نماز و در غیر اشتغال به آن، از گناهان دور می‌شود؛ زیرا نماز مشتمل بر یاد خداست و یاد خدا در نفس حالت خشیت نسبت به او را ایجاد می‌کند و این خشیت سبب دوری فرد از گناهان می‌شود. ادامه آیه، شاهدی بر این سخن است: «وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ؛ و یاد خدا بزرگتر است» (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۱۹۶؛ طباطبائی، ج ۱۶، ص ۱۳۳). این ترکیب از محبت و خشیت به خدا، حالت سرسپردگی مؤمنان به خدا را رقم می‌زند و می‌تواند عاملی قوی برای دور ساختن مؤمنان از هرزگی‌ها باشد. توصیفات دیگر خدا همچون حضور فراگیر خدا و نزدیک‌تر بودن او از رگ گردن انسان به او (ق: ۱۶) و رحمت عام و خاص او به مؤمنان عمق این سرسپردگی و تأثیر آن در اجتناب انسان از هرزگی را بیشتر می‌کنند.

۲-۳. دستورات شرعی و اخلاقی

ادیان ابراهیمی مجموعه‌ای از دستورات شرعی و اخلاقی را در متن خود جای داده و مؤمنان را به عمل به آنها فرامی‌خوانند. هر سه دین یهودیت، مسیحیت و اسلام قیدوبندهایی را در عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی در قالب تعالیم دینی عرضه کرده‌اند که با بی‌بندوباری، هرزگی و نادیده‌انگاری به قیدوبندها سازگاری ندارد.

الف) یهودیت

در یهودیت دستورات دینی فراوانی وجود دارد که با تنظیم روابط جنسی و جلوگیری از هرزگی و بی‌بندوباری مرتبط است. بسیاری از این دستورات در قالب هلاخا و احکام شرعی، تکالیفی الزامی را بر عهده مؤمنان می‌گذارند و یهودیان موظفند در آن چارچوب عمل کنند. یهودیت بر عمل به شریعت تأکید دارد و تعلیم می‌دهد شریعت تنها راهی است که انسان برای رسیدن به نجات، باید از آن گذر کند. «تنخ» به‌عنوان کتاب مقدس یهودیان و «تلمود» به‌عنوان غنی‌ترین و معتبرترین متن دینی یهودیان بعد از کتاب

پولس با کمک گرفتن از بعضی استعارات تلاش می‌کند وابستگی مسیحیان به خدا را تعمیق بخشیده و احساس سرسپردگی مسیحیان به خدا را تقویت کند. او مسیحیان را اعضای مسیح و هیکل روح‌القدس خوانده و از این تشبیه و استعاره کمک گرفته و می‌گوید با عضو مسیح و در ساختمانی که خدا در آن حضور دارد، نباید نافرمانی خدا صورت گیرد (اول قرنیتیان ۶: ۱۵-۲۰؛ گورژن فی، بی‌تا، ص ۵۹).

ج) اسلام

در اسلام نیز از ظرفیت سرسپردگی به‌عنوان عاملی بازدارنده از هرزگی و بی‌بندوباری استفاده می‌شود. ایمان اسلامی از یک‌سو با محبت به خداوند و از سوی دیگر با خوف و خشیت نسبت به او گره خورده است. قرآن از سویی می‌فرماید: «و آنها که ایمان دارند، عشق‌شان به خدا شدیدتر است» (بقره: ۱۶۵) و از سوی دیگر می‌فرماید: «مؤمنان کسانی هستند که از خوف پروردگارش لرزانند» (مؤمنون: ۵۷). خوف مقصود در این بخش، خوفی است که با ایمان به خدا و درک عظمت او برای فرد ایجاد می‌شود (نه خوف از عذاب و عقاب که در قسمت بعدی بررسی می‌شود). این دو حالت درونی که با ایمان فرد مسلمان عجین شده، نوعی سرسپردگی به معبود را در او ایجاد می‌کند که در قالب یک عامل بازدارنده درونی، او را به رعایت آنچه مطلوب و مورد نظر معبود است، وامی‌دارد. به این ترتیب، فرد نه از روی الزام و تکلیف، بلکه از روی تسلیم و با عشق و علم به شایستگی معبود خواسته‌های او را انجام می‌دهد. این سرسپردگی، تمایل به بی‌بندوباری را از ریشه می‌خشکاند. فرد چون محبت به خدا را در دل دارد، به آنچه خدا می‌خواهد راضی است و از حدودی که او تعیین کرده تجاوز نمی‌کند. خداوند هم از چنین فرد مؤمنی رضایت دارد. قرآن با اشاره به این ارتباط می‌فرماید: «خدا از آنها خشنود است و آنها از خدا خشنودند؛ و این [مقام والا] برای کسی است که از پروردگارش بترسد!» (بینه: ۸).

بنابر این تقریر، تأکید بر افزایش سطح ایمان به معنای توصیه به افزایش مقید کردن افراد به قیود مورد نظر خدا خواهد بود و ایمان واقعی به ایمانی اطلاق خواهد شد که در آن به قیود مورد نظر خدا توجه کامل شود. آیه ۱۳۶ سوره نساء به این حقیقت اشاره دارد: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خدا ایمان [واقعی] بیاورید». در این آیه کسانی که ایمان آورده‌اند، مورد خطاب قرار می‌گیرند، اما با این وجود (با وجود داشتن ایمان)، از آنان خواسته می‌شود ایمان بیاورند. معنای

آنها مسیرشان را تغییر داده است (مائده: ۷۲؛ اکلینز، ۲۰۰۳م، ص ۳۱-۳۲). خداانگاری عیسی در مسیحیت و باورهای مرتبط با آن (اعمال رسولان ۱۶: ۳۱؛ رومیان ۵: ۱؛ افسسیان ۲: ۸) پیامدهایی دارد؛ از جمله اینکه در این عقیده، برای نجات، دیگر نیازی به شریعت نیست (افسسیان ۱: ۷). از نگاه پولس، شریعت و عمل، راه خوبی برای رسیدن به نجات نیست و انسان برای رسیدن به نجات، محتاج فیض خداست. راه برون‌رفت از گناه‌آلودگی و هلاکت، «عادل شدن» (تیسن، بی‌تا، ص ۲۶۳) یا «عادل‌شمردگی» (هیل، ۲۰۰۱م، ص ۶۵۶) است که تنها با ایمان به عیسی مسیح حاصل می‌شود و حصول عدالت با چنین ایمانی (رومیان ۴: ۲۴ و ۲۵) حاصل فیض رایگان خداست؛ نه عمل به شریعتی از اعمال (رومیان ۳: ۲۶-۲۱؛ مک‌گراث، ۱۳۹۳، ص ۶۸). بنابراین هرچند مسیحیت برای مهار هرزگی از راه سرسپردگی ایمانی و اخلاق اقدام کرده، اما باید این دین را فاقد ظرفیت «شریعت» برای مهار هرزگی دانست.

با این وجود دستورات اخلاقی فراوانی در این دین درجهت کنترل مسائل جنسی و مهار هرزگی و بی‌بندوباری وجود داشته و گناه به تناسب بزرگی یا کوچکی‌اش در این دین مذموم است. در آیین‌های مسیحی نیز ظرفیت‌هایی برای مهار هرزگی وجود دارد. «ازدواج» به‌عنوان یکی از آیین‌های هفت‌گانه مسیحی که مسیحیان به آن توجهی جدی دارند و البته بین ادیان ابراهیمی مشترک است، می‌تواند در مهار هرزگی تأثیر فراوانی داشته باشد. این آیین از آن‌رو که نشانه محبت خدا به بشر بوده و مسیح آن را به‌عنوان پیمانی بین افراد تعمید یافته، در کرامت و اعتبار آیین فیض‌بخش رفعت داده (تعالیم کلیسای کاتولیک، ص ۴۵۰، بند ۱۶۰۱)، مورد توجهی دوچندان است. همچنین کتاب مقدس با تأکیدهای فراوان به مسیحیان دستور می‌دهد که از اعمالی همچون زنا، فسق، ناپاکی، فجور، بت‌پرستی، مستی، لهو و لعب و امثال آن اجتناب کنند (غلاطیان ۵: ۲۱-۱۹؛ رومیان ۱: ۳۲-۲۸؛ اول قرنتیان ۶: ۹-۱۰؛ افسسیان ۵: ۳-۵؛ کولسیان ۳: ۸-۵). بعضی از این اعمال ناپسند که با تعدی شدید و جدی به قانون خدا، محبت را در دل آدمی نابود کرده و با ترجیح دادن خیر حقیرتر بر خدا که هدف غایی و سعادت اوست، انسان را از خدا دور می‌کند؛ گناه بزرگ به‌شمار آمده و گناهان دیگر که هرچند تخلف از محبت است و آن را جریحه‌دار می‌کند، اما آن را باقی می‌گذارد؛ گناه کوچک به حساب می‌آید (تعالیم کلیسای کاتولیک، ص ۵۰۹، بند ۱۸۵۵). این دستورات هرچند در نجات

مقدس، حجم گسترده و نسبتاً کاملی از این دستورات را در خود جای داده‌اند که توسط عالمان یهود بیان شده و عمل به آنها بر همه یهودیان لازم است (تثنیه ۱۷: ۱۲-۸). بنابراین با توجه به اهمیت هلاخا (بخشی از تلمود که احکام عملی را بیان می‌کند) و التزام هر یهودی به تنظیم اعمال خود بر طبق آن، وقتی به هلاخا نظر می‌شود، دستورات فراوانی برای تنظیم رفتارها و از جمله روابط جنسی مشاهده می‌شود که نتیجه آن، جلوگیری از مصادیق فراوانی از هرزگی‌ها و بی‌بندوباری‌هاست.

دستورات هلاخایی ازدواج را تجویز و از دیگر روابط جنسی نهی می‌کند (آترمن، ۱۳۹۱، ص ۲۲۱-۲۲۲). علاوه بر زنا، استمنای مردان، بعضی از مصادیق همجنس‌بازی و روابط جنسی دیگر مورد نهی هلاخایی قرار گرفته است (همان). براساس هلاخا مردان موظف‌اند از زن‌ها فاصله بگیرند؛ در جمع آنها حرکات سبک انجام ندهند؛ به زیبایی آنها خیره نمانند؛ عطر ایشان را نبویند و پشت سر آنها راه نروند. رد شدن مرد از کنار یک روسپی‌خانه، گوش دادن به آواز زن، کمک گرفتن از یک زن در جای خلوت و امثال آن در هلاخا ممنوع شده است (قارو، بی‌تا؛ اوین‌هاییزر، ۲۱: ۱-۶؛ آترمن، ۱۳۹۱، ص ۲۲۲). البته مواردی همچون استمنای زنان و بعضی روابط مردان، به صراحت در هلاخا نهی نشده است (آترمن، ۱۳۹۱، ص ۲۲۲-۲۲۴) و حتی احتمال وقوع فعالیت همجنس‌گرایی در میان زنان در بحثی از تلمود بابلی پذیرفته شده است (کالیو لاتون، «یهودیت» در: ورنرمنسکی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۲۷۵)، که چنین مواردی گونه‌ای خلاً در احکام شرعی یهود را نشان می‌دهد.

علاوه بر فرامین شرعی، توصیه‌های اخلاقی فراوانی نیز در تعالیم یهودی وجود دارد که در آنها تلاش می‌شود فرد مؤمن به‌گونه‌ای هدایت شود که در دام گناه گرفتار نشده و دامنش آلوده نگردد (کالیو لاتون، «یهودیت» در: ورنرمنسکی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۲۷۳-۲۸۲). در تورات (تثنیه، باب ۵؛ خراج، باب ۲۰ تا ۲۳؛ لاویان، باب ۱۹) و تلمود (کهن، ۱۳۵۰، ج ۱، ص ۲۳۴) دستورات اخلاقی فراوانی وجود داشته و همواره بر اخلاقی زیستن فرد تأکید می‌شود (اپستاین، ۱۳۹۳، ص ۲۴). عمل به این توصیه‌ها و دستورات اخلاقی می‌تواند زمینه‌ساز مهار هرزگی‌ها و بی‌بندوباری‌ها باشد.

(ب) مسیحیت

مسیحیان اگرچه خود وارث یهودیت هستند، اما خداشناسی خاص

اسلامی، آزادی بی‌حد و مرز به‌معنای رهایی مطلق انسان و لجام‌گسیختگی که انسان را به حیوان و کمتر از آن فرو می‌کاهد، از حقوق مشروع او نیست. از نظر اسلام «آزادی»، رهایی انسان از چنگال آرزوها و هوس‌هاست (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۲۹-۳۰). این تبیین همراه با توصیه‌های یادشده از جانب جانشین رسول خدا ﷺ ظرفیت بالایی در مقید کردن افراد و اجتناب آنان از بی‌بندوباری و ارتکاب فحشا دارد و شریعت اسلام را باید از ظرفیت‌های مهم این دین برای مهار بی‌بندوباری و هرزگی به‌شمار آورد.

۳-۳. بیان آثار و پیامدهای دنیوی اعمال

از مؤثرترین راه‌های کنترل انسان‌ها و مهار ناهنجاری‌ها و هرزگی‌های جنسی، ضمانت‌های اجرایی است که در همین دنیا برای رعایت هنجارها، قوانین و احکام موجود و برخورد با هنجارشکنان و افراد بی‌بندوبار در نظر گرفته می‌شود. ادیان ابراهیمی با بیان آثار و پیامدهای دنیوی هرزگی و بی‌بندوباری، در جهت مهار آنها اقدام قابل توجهی کرده‌اند. این حقیقت در هریک از ادیان ابراهیمی قابل رصد و بررسی است.

الف) یهودیت

در یهودیت مجازات‌هایی برای بعضی از گناهان در نظر گرفته شده، که صرف نظر از وجود یا عدم عقوبت اخروی، در همین دنیا اعمال می‌شوند. آگاهی یهودیان از چنین مجازات‌هایی می‌تواند در مقید کردن آنان به حدود و قیود بسیار مؤثر باشد. اعدام، قصاص، تازیانه، حبس، تبعید، طرد (محرومیت)، غرامت و جریمه مالی شکل‌های مختلف مجازات‌های دنیوی در یهودیت هستند که بعضی از آنها شامل سوءرفتارهای حاصل از هرزگی‌ها و بی‌بندوباری افراد است (ر.ک: «مجازات‌ها در حقوق یهودی» در: حسین سلیمانی، ۱۳۸۴، ص ۳۰۷). برای نمونه تورات برای زنا با زن شوهردار (لاویان ۲۰: ۱۰)، زنا با زن عفت با دختر نامزددار (تثنیه ۲۲: ۲۵)، زنا با محارم (لاویان ۲۰: ۱۱-۱۴)، لواط (لاویان ۲۰: ۱۳) و مقاربت با حیوان (لاویان ۲۰: ۱۵-۱۶) مجازات اعدام در نظر گرفته است که به صورت سنگسار، سوزاندن و خفه کردن انجام می‌شود. «کارت» به معنای ریشه کنی، نابودی و انقطاع، برای اشاره به مجازاتی است که در قالب مرگ ناگهانی یا زودرس اعمال می‌شود. مجازات تازیانه، حبس یا طرد نیز در جرایم عفافی وجود دارد؛ و برای مثال مجازات «جرم» که شدیدترین درجه

دخالتی ندارند، اما از آن جهت که از سوی دین بیان شده و درخصوص موضوعات مختلف نظر خدا و دین را آشکار می‌سازند، به‌عنوان دستورات اخلاقی، ظرفیت مستقلی برای جلب نظر مؤمنان و واداشتن آنان به عمل به آنهاست.

ج) اسلام

اسلام دینی دارای شریعت بوده و در آن عمل به شریعت ضروری است. شریعت اسلام مجموعه‌ای از تکالیف و دستورات دینی همراه با تفسیر صحیح از حقوق انسان است. براساس تعالیم اسلامی، ضمن اینکه انسان از حق حیات، آزادی، برابری و مانند آن برخوردار است؛ درمقابل مکلف به استفاده صحیح از این حقوق و انجام مسئولیت‌های خود است. در شریعت اسلام دستورات مشخصی در خصوص کنترل رفتار مؤمنان وجود دارد و به تناسب اهمیت و ضرورت رعایت آن دستورات شرعی، احکام اسلامی به پنج دسته تقسیم می‌شوند: واجبات، محرمات، مستحبات، مکروهات و مباحات. این احکام و دستورات شرعی که قوانین رفتاری و عملی مسلمانان هستند، دخالتی مستقیم در نجات آنها داشته و فرد به سبب رعایت یا تخلف از آنها مستحق نجات یا هلاکت می‌شود. بنابراین این دستورات جایگاهی قابل توجه در دین اسلام داشته و مسلمانان خود را موظف و مکلف به توجه و رعایت آنها می‌دانند. اکنون با توجه به چنین جایگاهی، اگر نگاهی به ماهیت این دستورات شرعی بیندازیم، خواهیم دید که تشریح همه آنها در راستای مهار رفتار افراد و جلوگیری از بی‌بندوباری و هرزگی آنهاست. وجوب بعضی از امور مانند حجاب (احزاب: ۵۹)، حرمت بعضی از افعال مانند زنا (اسراء: ۳۲)، لواط (اعراف: ۸۰ و ۸۱)، استمناء (نوری، ج ۱۴، ص ۳۵۶)، برهنگی (نور: ۳۱)، سخن گفتن و ارتباط بیجا و بی‌قید با نامحرم (احزاب: ۵۳) و توصیه اکید به مواردی همچون حیا (قصص: ۲۵)، عفت (نور: ۳۳) و ازدواج (نور: ۳۲) که باعث سکون انسان و مهار تلاطم‌های غرایز جنسی فرد می‌شود (روم: ۲۱)، از این دست احکام شرعی هستند. این دستورات در مقایسه با دستورات و تعالیم ادیان دیگر، از نظر حجم، عمق، ظرافت و دقت، بسیار قابل توجه و متمایزند. به فرموده امام رضا ﷺ اساساً از ویژگی‌های دین اسلام «ورع» و «عفت» است (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۱۷). در تعالیم اسلام زنا بزرگ‌تر از قتل (دیلمی، ۱۳۷۶، ص ۲۸۲) و لواط بدتر از زنا معرفی شده است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۳۲۹). در دیدگاه

طرد و محرومیت است، در جرایمی همچون تعدی به بیوه‌زنان و یتیمان اعمال می‌شود (خروج ۲۲: ۲۲). این دست از آثار شرعی بعضی از اعمال ناپسند و پیامدهای دنیوی سوءرفتارها، می‌توانند به‌عنوان عاملی بازدارنده از هرزگی و بی‌بندوباری عمل کنند.

بخش دیگری از مجازات‌های دنیوی در واقع عذاب‌های دنیوی اعمال بد انسان‌ها هستند که از سوی خدا شامل آنان می‌شود، که به آنها مجازات‌های آسمانی یا الهی گفته می‌شود (ر.ک: سلیمانی، ۱۳۸۴، ص ۳۱۹). در کتاب مقدس یهودیان آمده است:

اگر مرا نشنوید و جمیع این اوامر را به‌جا نیاورید و اگر فریض مرا رد کنید... خوف و سل و تب را که چشمان را فنا سازد و جان را تلف کند، بر شما مسلط خواهم داشت... و اگر با این همه از من تنبه نشده، به خلاف من رفتار کنید... بر شما شمشیری خواهم آورد که انتقام عهد مرا بگیرد (لاویان ۲۶: ۱۴-۴۳).

در یهودیت این مجازات‌ها انتقام الهی به‌شمار آمده (خروج ۲۰: ۵؛ تثبیه ۵: ۹)، قطعی و گریزناپذیر هستند (لاویان ۲۶: ۱۴-۴۳؛ تثبیه ۲۸: ۱۵-۶۸) و علاوه بر اینکه شامل افراد می‌شوند، می‌توانند شامل کل قوم (پیدایش ۴: ۱۰-۱۵ و ۶ و ۱۸؛ خروج ۱۴: ۲۷-۲۸؛ لاویان ۱۰: ۱-۲؛ اعداد: ۱۰-۶؛ اعداد ۱۶: ۳۵-۲۸) و حتی نسل هم بشوند؛ چراکه به گفته عهد عتیق، خدا انتقام گناه پدران را از پسران تا پشت سوم و چهارم از دشمنان خود می‌گیرد (خروج ۲۰: ۵؛ تثبیه ۵: ۹). برخی از جرایم هرزگی‌های جنسی نیز مشمول چنین مجازات‌هایی هستند (لاویان ۲۰: ۱۷-۱۸؛ ۲۹). آثار دنیوی دیگری نیز برای بعضی از اقدام‌ها و اعمال بیان می‌شود که می‌تواند به‌مثابه مشوقی برای تنظیم صحیح و اصلاح روابط باشد؛ برای نمونه، برکت خدا در زندگی به‌عنوان یکی از آثار ازدواج مطرح می‌شود (کالیو لاتون، «یهودیت» در: ورنمنسکی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۲۷۶).

ب) مسیحیت

عمل در نجات دخیل باشد یا نباشد، پولس در فقرات بسیاری از نوشته‌های خود، با نهی از ارتکاب اعمال زشتی چون زنا، طمع، بت‌پرستی، ناساز، می‌گساری و ظلم (کولسیان ۳: ۵؛ ۹؛ اول قرتیان ۵: ۱ و ۴؛ عبرانیان ۱۲: ۱۶)، با شیوه‌ای اندازی برای این خطاکاران مجازات طلب می‌کند. در نوشته‌های پولس آمده است: «لیکن ای برادران، از شما استدعا داریم که سرکشان را تنبیه نمایید» (اول تسالونیکیان ۵: ۱۴ و ۱۵). او توصیه می‌کند برای تنبیه زانیان با آنان مجالست و معاشرت

نکنید و با آنان غذا مخورید (اول قرتیان ۵: ۱۱-۱).

از سوی دیگر رجوع خطاکار و شرایط توبه در اختیار کلیسا قرار داده شد؛ چراکه عیسی اعلام کرد که می‌تواند گناهان را ببخشد و مسیحیان براساس کتاب مقدس خود، معتقدند او این قدرت را به رسولان پس از خود منتقل کرده است (متی ۱۶: ۱۹). به این ترتیب کلیسا کار مشخص کردن گناهان، تعریف آنها و تعیین مجازات هریک از آنها را در اختیار دارد. آیین توبه شکل گرفت و اجرای آن و بیان مجازات هریک از گناهان در وضعی بسیار نامنظم باقی ماند و اجرای آنها غالباً به صلاحدید مجری یا عرف محلی واگذار شد (پیترز، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۴۰۴). «بازیل» و «اناتولی» از مشهورترین افرادی هستند که مجازات‌هایی برای خطاها و بی‌بندوباری‌ها تعیین کرده‌اند. بنابر مجازات تعیین شده توسط آنها، مرتکبان هریک از گناهان باید زمان مشخصی را برای توبه سپری کنند تا توبه آنها پذیرفته شود. تکالیفی که برای فرد در این بازه زمانی در نظر گرفته می‌شد، در واقع مجازاتی دنیوی برای او بود. بازیل می‌گوید: «کسانی که مرتکب لواط یا وطی حیوانات می‌شوند، همچنین قاتلان، جادوگران، زناکاران و بت‌پرستان مستحق مجازات واحدی هستند... ما باید کسانی را که بیش از سی سال است توبه کرده‌اند، بپذیریم» (بازیل، نامه ۱۸۸ در: پیترز، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۴۰۴). بازیل در نوشته دیگری، با تفکیک میان فحش‌های مختلف، مدت انجام آیین توبه آنها را به‌صورت جزئی‌تر مشخص کرده است. به‌عنوان مثال، او این مدت را برای زنا، محصنه پانزده سال و برای زنا غیرمحصنه هفت سال تعیین کرده است (همان).

در منبع دیگری مدت آیین توبه کسی که با حیوانات یا با خواهر خویش یا با همسر دیگری مرتکب فحشا شود، سه سال ذکر شده و چگونگی این آیین چنین توضیح داده شده است که در طول نخستین سال روی زمین خواهد خفت؛ در طول دومین سال سر خود را روی سنگ و در طول سومین سال روی تخته خواهد گذاشت. او تنها نان، آب، نمک و مقداری حلیم نخود خواهد خورد. برخی نیز سی دوره سه‌روزه یا آیین‌های توبه با روزه‌های مخصوص با غذا و بستر مذکور و با غذا در عصر (حدود ساعت سه بعد از ظهر) را تا سال دوم ترجیح می‌دهند... (منتخباتی از کتاب داود در: پیترز، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۴۰۷). تعیین چنین مجازات‌های دنیوی و شرایط سخت دنیوی برای توبه که در زیست خدامحورانه مسیحی، می‌تواند در بازدارندگی افراد از فحشا و بی‌بندوباری تأثیرگذار باشد.

ج) اسلام

خدا محوری اسلامی مستلزم توجه، پذیرش و اعتقاد آثار و پیامدهای دنیوی سخت برای بی‌بندوباری‌هاست که شناخت آنها تأثیری بازدارنده در فرد می‌گذارد. برای نمونه، پیامبر گرامی اسلام ﷺ تعدادی از پیامدهای وضعی زنا در دنیا را این‌گونه ذکر فرموده است: «زنا مورث فقر است و آبادی‌ها را ویران می‌کند» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۳۱۰)؛ «چون پس از من زنا زیاد شود، مرگ ناگهانی فزونی یابد» (برقی، ۱۷۱، ج ۱، ص ۱۰۷)؛ «وقتی زنا رواج گیرد، زلزله پیدا شود» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۱۹۶، حدیث ۲۱۹) و «چهار چیز است که هریک از آنها در خانه‌ای درآید خراب شود و به برکت آباد نگردد: خیانت، دزدی، شراب‌خواری و زنا» (همان، ص ۲۰۳، حدیث ۲۵۶). در حدیثی از امام صادق ﷺ آمده است: «زناکار شش عقوبت دارد که سه عقوبت آن در دنیا و سه عقوبت در آخرت است؛ اما عقوبت‌های دنیا این است که زنا نور را از رخسار فرد می‌برد؛ موجب فقر و تنگ‌دستی او می‌شود و مرگش را پیش می‌اندازد...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۴۱). البته ممکن است براساس سنت استدراج، این آثار گاه در زندگی افراد پدیدار نشوند، اما احتمال وقوع این آثار در زندگی براساس این هشدارها، تأثیری بازدارنده در فرد خواهد داشت.

بیان فلسفه تحریم این‌گونه گناهان و آثار مخرب آنها را می‌توان در همین راستا ارزیابی کرد. امام رضا ﷺ در بیان آثار مخرب زنا فرمودند: «آنچه گناهِش از قتل نزد من بیشتر است و بالای آن قبیح‌تر است زناست؛ زیرا قاتل با کشتن مقتول، فسادی غیر از کشتن او انجام نمی‌دهد و پس از کشتن او دیگر فسادی بر آن نیست، اما زانی نسل را تا روز قیامت فاسد و تباه و حرام‌هایی را حلال می‌کند» (دیلمی، ۱۳۷۶، ص ۲۸۲). ایشان دربارهٔ لواط نیز فرمودند: «بدان که حرمت لواط از زنا بیشتر است؛ زیرا خداوند قومی را (قوم لوط) به‌خاطر عمل لواط هلاک کرد، ولی کسی را برای زنا هلاک نکرد» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۳۲۹). امام رضا ﷺ فرمودند: «علت تحریم روی آوردن مردان به مردان و زنان به زنان، یکی ساختار وجودی زنان و سرشت وجودی مردان است [که هریک برای جنس مخالف آفریده شده است] و دیگر اینکه روی آوردن مردان به مردان و زنان به زنان سبب از بین رفتن نسل [بشر] و برهم خوردن نظم و تدبیر [جامعه] و نابودی دنیا می‌شود (ابن‌بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۹۷). تأثیری که این سخنان و روشنگری‌ها دربارهٔ آثار این گناهان در نفوس انسان‌ها دارد،

می‌تواند عاملی مؤثر در مهار هرزگی به‌شمار آورد.

غیر از این آثار وضعی، مجازات‌های دنیایی دیگری نیز توسط شریعت اسلام برای افراد بی‌بندوبار تعیین شده است که در نظر گرفتن آنها جرأت و انگیزهٔ فرد برای بی‌بندوباری را کاهش می‌دهد. محدودیت در ازدواج، تعزیر، تراشیدن سر و تبعید، تازیانه، رجم و اعدام (نجفی، ۱۴۳۰ق، ج ۴۱، ص ۳۱۸-۳۰۹) از مجازات‌های دنیایی بی‌بندوباری‌ها در سطوح مختلف است که به تناسب بزرگی گناه، بیان و اجرا می‌شود.

از سوی دیگر، پاداش‌هایی نیز برای تارکان فحشا و بی‌بندوباری در همین دنیا تعیین شده است که می‌تواند انگیزه‌ای برای ترک بی‌بندوباری باشد. به‌عنوان مثال، رسول خدا ﷺ با اشاره به قدرت یافتن فرد تارک فحشا برای دیدن عجایب و شگفتی‌های ناپیدای جهان می‌فرماید: «چشم‌هایتان را [از نامحرم] بپوشانید تا عجایب و شگفتی‌ها را ببینید» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۱، ص ۴۱). ایشان در جای دیگری می‌فرمایند: «هر مردی بتواند کار حرامی انجام دهد و آن را فقط به‌خاطر ترس از خدا فرو گذارد، خداوند پیش از آخرت، در همین دنیا بهتر از آن را به وی عوض دهد» (متقی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۷۸۷، ح ۴۳۱۱۳).

بیان این آثار دنیوی و توجه مسلمانان به آنها می‌تواند در جلوگیری از هرزگی و بی‌بندوباری تأثیرگذار باشد و از آن می‌توان به‌عنوان عاملی نام برد که در شیوه‌های پیشگیرانه، درمانی و تنبیهی کاربرد دارد.

۳-۴. بیان رقم خوردن سرنوشت انسان در فرجام عالم

براساس سنجش نهایی اعمال

ابن‌رشد معتقد است همهٔ شرایع دربارهٔ این حقیقت که نفوس پس از مرگ سعادت و شقاوت دارند، اتفاق کرده‌اند، ولی دربارهٔ چگونگی آن حالات و بیان آن زندگی برای انسان‌ها اختلاف دارند (ابن‌رشد، ۱۹۹۲، ص ۵۸۲). صرف نظر از بررسی این ادعا با همین گستردگی‌اش، وجود اعتقاد به معاد یا حسابرسی اعمال در فرجام عالم و بیان رقم خوردن سرنوشت انسان براساس سنجش نهایی اعمال، یکی از ظرفیت‌های مهم ادیان در مهار هرزگی‌ها در جامعه، باورمندان و دین‌داران هستند. اکنون این ظرفیت را در ادیان یهودیت، مسیحیت و اسلامی بررسی می‌کنیم.

الف) یهودیت

«معاد» در *تورات* بلکه در هیچ‌جای *عهد عتیق* به‌طور صریح مطرح نشده است و اغلب تعابیر مرتبط، مانند «آخرت» اشاره به عاقبت

خدا، سلطنت او بر جهان است. به گفته مسیحیان، ملکوت خدا از کسانی که به خدا اقرار دارند، تشکیل شده است و مسیح زاده شد تا پادشاه این ملکوت باشد (همان، ص ۲۷۴). در واقع حاکمیت مطلق خدا بر پایه انجام عملیات نجاتی است که به واسطه مسیح حاصل می‌شود (اُکلینز، ۲۰۱۳م، ص ۱۱۷). ملکوت خدا دوره‌ای در فرجام عالم است که در آن خدا حکومت می‌کند؛ گناه و بیماری از میان خواهد رفت (اشعیا ۱۱: ۹-۶)؛ عدالت حاکم می‌شود؛ صالحان خواهند شکفت (مزمیر ۷۲: ۷)؛ جهان از معرفت یهوه پر خواهد شد (فی، بی‌تا، ص ۴۷) و انسان‌ها در صلح و صفا زندگی خواهد کرد (اشعیا ۱۱: ۵-۴ و ۲: ۲-۴). عیسی شنوندگان پیام خود را به ورود به این ملکوت یا دریافت آن دعوت کرد تا چنانچه کودکی هدیه‌ای دریافت می‌کند، از برکات این عصر بهره‌مند و خرسند شوند (متی ۴: ۲۳ و ۹: ۳۵ و ۱۰: ۷۰). از این رو، مسیحیان آرزو دارند به این ملکوت برسند.

اما پولس با اشاره به بعضی از گنهکاران و بی‌بندوباری‌های آنان، آنان را فاقد میراثی در ملکوت مسیح و مستوجب غضب خدا می‌داند: «زیرا این را یقین می‌دانید که هیچ زانی یا ناپاک یا طماع که بت پرست باشد، میراثی در ملکوت مسیح و خدا ندارد. هیچ کس شما را به سخنان باطل فریب ندهد؛ زیرا که به سبب اینها غضب خدا بر ابنای معصیت نازل می‌شود. پس با ایشان شریک مباشید» (افسیان ۵: ۷-۵). این توصیفات مسیحیت از فرجام عالم و رقم خوردن سرنوشت مسیحیان در ملکوت خدا، براساس سنجش اعمال‌شان، ظرفیتی برای مهار هرزگی در کلیسای مسیحی و مشوقی برای مسیحیان است تا در آنها انگیزه اطاعت از خدا و ترک گناه را ایجاد و تقویت کند. به این ترتیب شوق رسیدن به ملکوت خدا یا ملکوت مسیح، عاملی برای دوری مسیحیان از بی‌بندوباری‌ها و هرزگی‌هاست.

ج) اسلام

اسلام نه تنها با اوامر و نواهی شرعی و اخلاقی، مسلمانان را از ارتکاب فحشا و بی‌بندوباری برحذر می‌دارد و برای مرتکبین فحشا مجازات‌های دنیایی تعیین می‌کند، بلکه آنان را از عذاب‌های دردناک اخروی نیز می‌ترساند و این وعیدها به عقاب اخروی نیز خود عاملی برای مهار هرزگی و بی‌بندوباری افراد است. برای نمونه، در حدیثی از امام صادق علیه السلام برای زناکار سه عقوبت در آخرت ذکر شده است: «خشم پروردگار، بدی حساب و خلود در آتش» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۴۱). محمبین

دنیوی دارد (تثنیه، ۸: ۱۶؛ مراثی ارمیا، ۴: ۱۸). نجات و سعادت‌مندی بنی‌اسرائیل حضور در ارض مقدس است و هیچ اشاره قطعی به رستاخیز یا گونه معتبری از زندگی پس از مرگ تا زمان نوشته شدن کتاب *دانیال* که آخرین اثر مندرج در *کتاب مقدس* است، در آن مجموعه یافت نمی‌شود (پیترز، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۴۵۶). با این حال تعبیری که حاکی از اعتقاد به زنده شدن پس از مرگ در *عهد عتیق* به چشم می‌خورد، در *تنخ* یافت می‌شود (پیدایش، ۵: ۲۴؛ تثنیه، ۳۲: ۳۹). در کتاب *اشعیا* *نبی* آمده است: «مردگان تو زنده خواهند شد و جسد‌های من خواهند برخاست» (اشعیا، ۲۶: ۱۹). همچنین در کتاب *اول سموئیل* چنین آمده: «خداوند می‌میراند و زنده می‌کند و به قبر فرود می‌آورد و برمی‌خیزاند» (اول سموئیل، ۲: ۶). «شئول» مکانی تاریک، سرد و خاموش در همین دنیا تلقی می‌شد که انسان‌ها در آن مکان دنیایی پادشاه داده شده و مجازت می‌شدند (پیترز، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۴۶۴). اما در «*تلمود*» سخن از معاد بسیار است و به صراحت بیان شده که در قیامت مردگان برانگیخته خواهند شد و خداوند درباره آنها داوری خواهد کرد. براساس تعالیم *تلمود*، نیکوکاران در بهشت جامه پرشکوه خداوند را بر تن می‌کنند و زیر عرش الهی اسکان داده می‌شوند؛ درحالی که ارواح بدکاران زندانی می‌شوند و تا تطهیر کامل گناهان خود، از قلاب‌هایی آویان می‌شوند (استرن، ۱۹۸۶، ج ۱، ص ۱۲۱).

در سنت یهودی اعتقاد به جاودانگی ناشی از اعتقاد به عدل الهی است (پیترز، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۴۵۹). هرچند صدوقیان منکر زندگی پس از مرگ بودند، اما از سال ۷۰م و پیروزی فریسیان، بهشت و جهنم در یهودیت امری قطعی است و همه یهودیان معتقدند بدکاران به جهنم و نیکوکاران به بهشت خواهند رفت (همان). فریسیان معتقد بودند که نفوس پس از مرگ باقی بوده و برای کسانی که زندگی خود را با فضیلت یا رذیلت گذرانده‌اند، در زیر زمین پادشاه و کیفر وجود دارد: حبس ابد نصیب نفوس شریر شده و نفوس خوب به زندگی تازه‌ای راه خواند یافت (همان، ص ۴۶۰ به نقل از: یوسیفوس، تاریخ باستانی یهود، ۱۸: ۱۴-۱۶). بیان چنین عواقب سختی برای گناهان می‌تواند عاملی بازدارنده و جدی در مهار بی‌بندوباری و هرزگی باشد.

ب) مسیحیت

«ملکوت» از واژه عبری «ملخوت» به معنای «حکومت و سلطنت» گرفته شده (الامیرکاتی، ۱۸۹۰م، ج ۳، ص ۲۷۷) و مراد از ملکوت

نتیجه‌گیری

رویکرد ادیان ابراهیمی در تعالیم یادشده، پیشگیری از افتادن مؤمنان در ورطه گناه و فحشا و تلاش برای ایجاد جامعه‌ای سالم و افرادی متعهد و دارای وجدان است و چالش‌هایی همچون برهنگی، استمناء، زنا، لواط و مانند آنکه ره‌آورد هرزگی شخصیتی افراد بوده و هویت انسانی و حقیقی انسان و جامعه را به‌خطر می‌اندازد، باید مهار شود. یهودیت، مسیحیت و اسلام ریشه‌های واحد و حقیقی دارند و صرف نظر از اختلاف نظر صورت فعلی آنها در باب نجات و مسائلی از آن قبیل، خواست عمل به دین الهی را ضامن سعادت و خوشبختی انسان دانسته و سخن و فرمان خدا را که دین مجموعه‌ای از آنهاست، حق، فصل‌الخطاب، هادی و شاخص ارزیابی سخن و فعل انسان معرفی می‌کنند. انسان دین‌دار با محوریت بخشیدن به خدا در سنجش درستی و نادرستی امور، براساس فرامین او حرکت می‌کند. در این اعتقاد برخلاف انسان‌محوری و اندیشه‌هایی که محور سنجش امور را علم تجربی، عقل محض، قوانین اجتماعی و مانند آن می‌دانند، هر آنچه با باور به خدا یا گفته او در تضاد باشد، مردود خواهد بود. براساس تفکر و زندگی دین‌مدارانه، همه امور باید با عقیده صحیح درباره خدا و دین او سنجیده شوند و درواقع، صحت گزاره‌های منشعب از آنها به شرط آنکه با خدا و دین او در تنافی نباشد، پذیرفته شوند. ملاحظه تعالیم ادیان ابراهیمی در این خصوص نشان می‌دهد، ظرفیت‌های آنها برای مهار هرزگی بسیار چشمگیر است. ایجاد سرسپردگی ایمانی به خدا در مؤمنان به‌عنوان عامل بازدارنده درونی، دستورات شرعی و اخلاقی، بیان آثار و پیامدهای دنیوی اعمال و بیان رقم خوردن سرنوشت انسان در فرجام عالم براساس سنجش نهایی اعمال از ظرفیت‌های مهم و قابل توجه ادیان برای مهار هرزگی و تأمین امنیت، سلامت و سعادت انسان و جامعه در این عرصه هستند. البته در این میان، حجم، عمق، ظرافت و دقت تعالیم اسلام بسیار قابل توجه است. وجود این ظرفیت‌ها می‌تواند بستری مناسب برای هم‌افزایی ادیان در جهت اصلاح جوامع باشد.

برخی از راه‌ها همچون قوانین اجتماعی نمی‌توانند در افراد گرایشی درونی و حقیقی بر ترک بی‌بندوباری ایجاد کنند و از این رو، اگر فرد در جایی قرار بگیرد که پلیس یا ناظری در آنجا حاضر نباشد، ممکن است قیود را زیر پا بگذارد. غالب راه‌های غیردینی همین وضعیت را دارند و نمی‌توانند چنان اثر عمیقی در قلب و ذهن افراد ایجاد کنند تا از روی میل و اراده، خود را به‌گونه‌ای ملزم بدانند که

مسلم نیز از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «خداوند با سه طایفه سخن نمی‌گوید، آنان را از آلودگی گناه پاک نمی‌سازد و عذاب دردناک در کمین آنهاست؛ از جمله زنی که مردی اجنبی را در بستر شوهرش بر خود راه دهد» (ابن‌بابویه، ۱۴۰۶ق، ص ۲۶۳). بیان این پیامدهای اخروی برای فحشا، در کنار درک مؤمن از حضور فراگیر و نزدیک خدا به انسان و خبیر بودن او به همه اعمال مخلوقین، می‌تواند عامل بازدارنده قدرتمندی برای اجتناب از هرزگی باشد. خداوند متعال در قرآن فرموده است: «وَتَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ؛ و ما از رگ گردن به او نزدیک‌تریم» (ق: ۱۶). بی‌شک خداپاوران مسلمانی که ایمان در دل‌شان رسوخ کرده و همواره خداوند متعال را این‌چنین ناظر بر اعمال و رفتارشان می‌دانند، به معاد اعتقاد دارند و می‌دانند که سرانجام بی‌بندوباری‌ها گرفتار شدن در چنین عذاب‌های اخروی است؛ به آسانی تن به فساد و بی‌بندوباری نمی‌دهند. گویا به‌همین دلیل، حدود یک سوم قرآن از مرگ، قیامت و مسائل مربوط به آن سخن می‌گوید. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «یاد مرگ، شهوت‌های نفسانی را از بین می‌برد و ریشه‌های غفلت را قطع می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۱۳۳). هنگامی که امیرالمؤمنین علی علیه السلام محمدبن ابی‌بکر را به‌عنوان کارگزار مصر منصوب کرد، نامه‌ای به او نوشت و به او فرمان داد آن را برای مردم مصر بخواند و به آنچه که در نامه بدان توصیه شده، عمل کند. در این نامه آمده است: «هنگامی که شهوت‌های نفسانی، شما را بر اموری می‌شوراند، زیاد یاد مرگ کنید؛ مرگ برای پندآموزی کافی است و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اصحابش را بسیار بر یاد مرگ سفارش می‌کرد و می‌فرمود: زیاد یاد مرگ کنید؛ زیرا یاد مرگ از بین‌برنده لذت‌ها و جداکننده شما و شهوت‌هاست» (همان، ج ۷۴، ص ۳۸۵).

البته اسلام علاوه بر شیوه انذار، از راه تشبیر و تشویق اخروی نیز استفاده کرده است و مسلمانان به شوق رسیدن به پاداش‌های اخروی در قبال عفت و پاکدامنی، خود را از چنگال هرزگی و بی‌بندوباری دور نگه می‌دارند. خداوند در قرآن به انسان‌های باتقوا و کسانی که در برابر گناهان صبر کرده و خود را از امیال و شهوات نفسانی حفظ می‌کنند، وعده پاداش داده است (یوسف: ۹۰؛ نازعات: ۴۰ و ۴۱) و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با استفاده از شیوه تشبیری در این زمینه می‌فرماید: «کسی که از چهار چیز خود را حفظ کند، وارد بهشت می‌شود: دنیاپرستی، هواپرستی، شهوت شکم و شهوت جنسی» (ابن‌بابویه، ۱۳۶۲، ص ۲۲۳).

منابع.....

- حضور یا عدم حضور پلیس و ناظر تأثیری در پابندی آنان به حفظ قیود نداشته باشد. اما دین می‌تواند اثری عمیق و مداوم در انگیزه افراد برای اجتناب از هرزگی ایجاد کند. پذیرش مشتاقانه قیود دینی در قالب یک بازدارنده قدرتمند درونی، می‌تواند مؤثرترین عامل برای اجتناب از بی‌قیدی و بی‌بندوباری باشد. ایمان به خدا و سرسپردگی به معبود، حالتی در فرد پدید می‌آورد که سبب می‌شود او از روی میل و نه اجبار، در پی انجام خواسته‌های خدای خویش باشد. ایمان و سرسپردگی به معبود، تمایل به بی‌بندوباری را از ریشه می‌خشکاند؛ برخلاف عوامل دیگر مؤثر در اجتناب از بی‌بندوباری که اغلب، تمایل فرد به این امور را از بین نمی‌برد و تنها جلوی عمل ظاهری براساس آن تمایلات را می‌گیرد. بنابراین دین نه تنها در کنترل بی‌بندوباری نقشی جدی ایفا می‌کند، بلکه از نظر کمی و کیفی با راه‌های دیگر تفاوتی بنیادین داشته و از تأثیرگذاری عمیق‌تر و مداوم‌تری در این زمینه برخوردار است.
- تمایز بنیادین سرسپردگی دینی و نقش تأثیرگذار دستورات دینی و تعیین پاداش و عقاب دنیوی و اخروی در ادیان قابل انکار نیست. ترس از آثار وضعی فحشا و مجازات‌های دنیوی و اخروی آنها از یک‌سو و شوق دستیابی به آثار وضعی عفت و پاداش‌های دنیوی و اخروی دوری از گناه، از سوی دیگر، میل به بی‌بندوباری را کاهش داده و بر انگیزه فرد در پرهیز از هرزگی می‌افزاید. به نظر می‌رسد اگر بتوان در بستر تقریب بین ادیان، از این ظرفیت‌های ارزشمند استفاده کرد، گام‌های بزرگی در اخلاقی ساختن جامعه و از بین بردن مظاهر هرزگی و بی‌بندوباری در آن برداشته خواهد شد. البته همان‌گونه که بیان شد، این سخن به معنای یک‌سان و هم‌سطح تلقی کردن ظرفیت‌های ادیان نیز نیست.
- قرآن مجید.
- کتاب مقدس، ۲۰۱۲، بی‌جا، ایلام.
- آنترنمن، آلن، ۱۳۹۱، *باورها و آیین‌های یهودی*، ترجمه رضا فرزین، قم، ادیان و مذاهب.
- ابن رشد، محمدبن احمد، ۱۹۹۲م، *تهافت التافت*، بیروت، دار المشرق.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، *تحف العقول*، تحقیق علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
- اپستاین، ایزیدور، ۱۳۹۳، *یهودیت بررسی تاریخی*، ترجمه بهزاد سالکی، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- امیرکافی، القس جیمس انس، ۱۸۹۰م، *نظام‌التعلیم فی علم اللاهوت القویم*، بیروت، مطبعة الأمیرکان.
- برقی، احمدبن محمد، ۱۳۷۱، *المحاسن*، قم، دار الکتب الاسلامیه.
- بودون، ریمون و فرانسویس بوریکار، ۱۳۷۷، «جرم»، *بصیرت*، ش ۱۶ و ۱۵، ص ۳۸۳۱.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ق، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۲، *نهج الفصاحه*، تهران، دنیای دانش.
- پیترز، اف. ئی، ۱۳۸۴، *یهودیت، مسیحیت و اسلام*، ترجمه حسین توفیقی، تهران، امیرکبیر.
- تعلیم کلیسای کاتولیک*، ۱۳۹۳، ترجمه احمدرضا مفتاح و دیگران، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
- تیسن، هنری، بی‌تا، *الهیات مسیحی*، ترجمه طاهوس میکائیلیان، تهران، حیات ابدی.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۸، *ولایت فقیه ولایت فقاهت و عدالت*، قم، اسراء.
- حرعاملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- خداپرستی، فرج‌الله، ۱۳۷۶، *فرهنگ جامع واژگان مترادف و متضاد زبان فارسی*، شیراز، دانشنامه فارس.
- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۲، *لغتنامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران.
- _____، ۱۳۷۳، *لغتنامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران.
- دیلمی، حسن بن محمد، ۱۳۷۶، *ارشاد القلوب*، ترجمه سیدعباس طباطبائی، قم، جامعه مدرسین.
- سلیمانی، حسین، ۱۳۸۴، *عدالت کیفری در آیین یهود*، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- سلیمی، علی و محمد داوری، ۱۳۸۰، *جامعه‌شناسی کجروی*، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۹۰ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۳۶۲، *الخصال*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- _____، ۱۳۷۸ق، *عیون اخبار الرضا*، تحقیق مهدی لاجوردی، تهران، جهان.
- _____، ۱۴۰۶ق، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، قم، شریف الرضی.
- عمید، حسن، ۱۳۸۰، *فرهنگ عمید*، تهران، امیرکبیر.

- عوجی، مصطفی، ۱۹۸۷م، *دروس فی العلم الجنایی*، بیروت، نوفل.
- فی، گوردن، بی‌تا، *بررسی رسالات پولس به قرنتیان*، ترجمه و تنظیم آرمان رشدی، شورای کلیساهای جماعت ربانی، بی‌جا، آموزشگاه کتاب مقدس.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تحقیق علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- کهن، آبراهام، ۱۳۵۰، *گنجینه‌ای از تلمود*، ترجمه امیرفریدون گرگانی و امیرحسین صدقی پور، تهران، یهودا حی.
- متقی هندی، علاء‌الدین، ۱۴۰۹ق، *کنز العمال فی سنن الإقوال و الأفعال*، بیروت، مؤسسه الرساله.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، تصحیح جمعی از محققان، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- محدث نوری، میرزا حسین، ۱۴۰۸ق، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، مؤسسه آل‌البتی.
- معین، محمد، ۱۳۷۹، *فرهنگ فارسی*، تهران، امیرکبیر.
- مک‌گراث، آلیستر، ۱۳۹۲، *درس‌نامه الهیات مسیحی*، ترجمه بهروز حدادی، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
- نجفی، محمدحسن، ۱۴۳۰ق، *جوهر الکلام*، تحقیق محمد قوچانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ورنرمنسکی و دیگران، ۱۳۸۹، *اخلاق در تئوس دین جهان*، تهران، اطلاعات.
- هیل، توماس و استیفان تورسون، ۲۰۰۱، *تفسیر کاربردی عهد جدید*، ترجمه آرمان رشدی و فریبرز خندانی، بی‌جا، بی‌نا.
- Goshen-Gottstein, Alon, 2001, "God the Father in Rabbinic Judaism and Christianity: Transformed Background or Common Ground?", *Journal of Ecumenical Studies*, N. 38.
- O'Collins, Gerald, and Edward G. Farrugia, 2013, *A Concise Dictionary of Theology*, New York, Paulist Press.
- O'Collins, Gerald, and Farrugia, Mario, 2003, *Catholicism: The Story of Catholic Christianity*, Oxford University Press Inc.
- Qaro, Youssef, "Shulhan Aruk", in: [www.sefaria.org/texts/Halakhah/Shulchan Aruk](http://www.sefaria.org/texts/Halakhah/Shulchan_Aruk).
- Stem, David, 1986, "Afterlife", in *Encyclopedia of Religion*, Vol. 1, Ed. by Mircea Eliade, New York.
- Warker, Margaret and others, 2012, *Paul: Jewish Law and Early Christianity*, *Biblical Archaeology Society*, Washington.